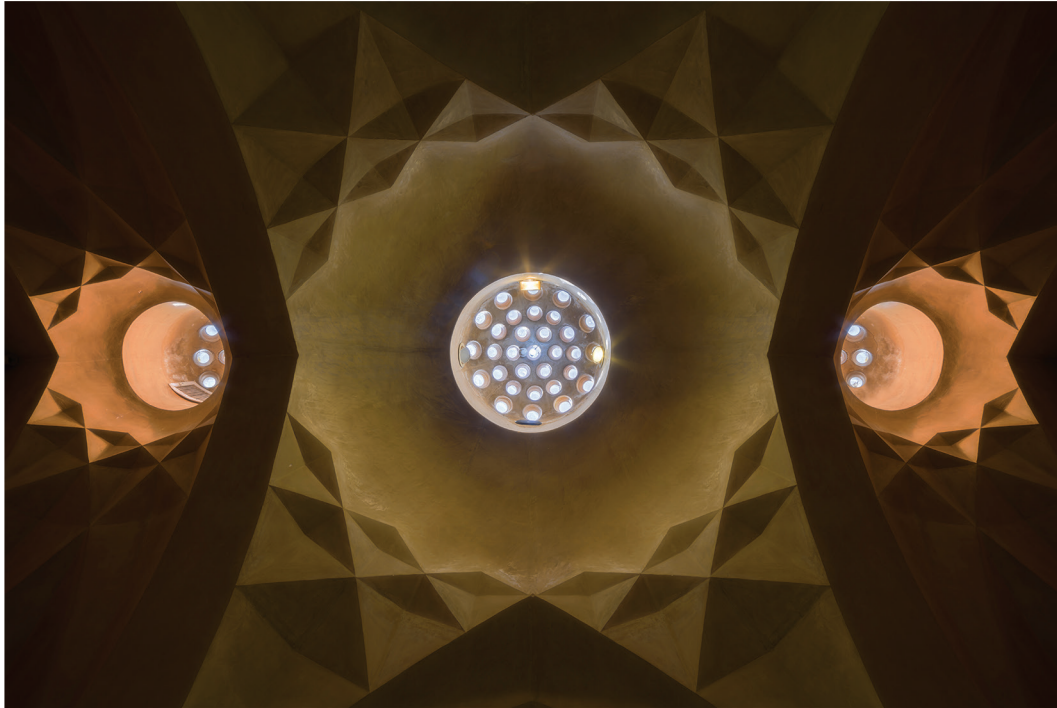


# مطالعات معماری ایران ۱۲

دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶



- ◆ همنشینی آرایه‌های تنگ‌بری و فرم سفالینه‌های دوره صفوی،  
مطالعه موردی تنگ‌بری‌های کوشک هشت‌بهشت و کاخ عالی‌قاپو اصفهان  
● پریسا امیرحاجلو / سعید امیرحاجلو
- ◆ بررسی شواهد تأثیر معماری پارسی بر معماری دوره مائوریایی هندوستان  
● حسن بلخاری قهی / حسین الماسی ستوده
- ◆ «بهشت ثانی» و «کوچه آراسته از خرمی»، شکل و جایگاه خیابان(ها) در جعفرآباد و قزوین صفوی  
● حمیدرضا جیحانی / فاطمه رجبی
- ◆ شأن کیفیت در معماری اسلامی، با استناد به آراء ابن عربی  
● مهسا رحمانی
- ◆ معیارهای قلمرو عمومی خوب شهر  
● محمد نقی‌زاده
- ◆ گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد، از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول  
● مرتضی فرح‌بخش / پیروز حناچی / معصومه غنائی
- ◆ بازشناسی معیارهای مؤثر بر تجربه و ادراک ساکنان از چرخه ساخت‌وساز در محیط‌های مسکونی،  
نمونه موردی: محله سادات و همت‌آباد بابلسر  
● هادی پندار
- ◆ بازاندیشی نسبت نظر و عمل در کار معمار، با تکیه بر خوانش گادامر از آراء ارسطو درباره «حکمت عملی»  
● زهره تفضلی
- ◆ گزارش علمی: روز درختکاری، بازگشت درختان مثمر و چشم‌انداز مرمت طرح کاشت در باغ فین

# مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

دوران این شماره:  
دکتر بهناز امین‌زاده  
دکتر جواد علی‌محمدی  
دکتر حمیدرضا انصاری  
دکتر حمیدرضا جیحانی  
دکتر زهراسادات زرآبادی  
دکتر سید مهدی خاتمی  
دکتر کیانوش ذاکر حقیقی  
دکتر لادن اعتضادی  
دکتر محمد نقی‌زاده  
دکتر محمد مهدی عبدالله‌زاده  
م. مریم رضائی‌پور  
دکتر مسعود ناری قمی  
دکتر مهدی حمزه‌نژاد  
دکتر مهران ملک  
دکتر مهرداد قیومی بیدهندی  
م. مهرزاد پرهیزکاری  
دکتر هادی ندیمی

سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶  
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان  
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی‌پور  
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان  
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):  
دکتر ایرج اعتصام، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات  
دکتر مجتبی انصاری، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس  
دکتر امیرحسین چیت‌سازیان، دانشیار دانشگاه کاشان  
دکتر پیروز حناچی، استاد دانشگاه تهران  
دکتر شاهین حیدری، استاد دانشگاه تهران  
دکتر ابوالقاسم دادور، استاد دانشگاه الزهراء (س)  
دکتر حسین زمرشیدی، استاد دانشگاه شهید رجایی  
دکتر علی عمرانی‌پور، استادیار دانشگاه کاشان  
دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد، دانشیار جهاد دانشگاهی  
دکتر اصغر محمد مرادی، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران  
دکتر غلامحسین معماریان، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران  
دکتر محسن نیازی، استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی و پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی است. نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می‌شود. تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است. (نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

عکس روی جلد: محمد موحدنژاد  
ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت‌پور  
ویراستار انگلیسی: مهندس غزل نفیسه تابنده  
دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۳۲

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳  
رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com  
پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپا: ۰۶۳۵-۲۲۵۲  
بهاء: ۱۰۰۰۰۰ ریال



## فهرست

---

- ۵ همنشینی آرایه‌های تنگ‌بری و فرم سفالینه‌های دوره صفوی،  
مطالعه موردی تنگ‌بری‌های کوشک هشت‌بهشت و کاخ عالی قاپو اصفهان  
پریسا امیرحاجلو / سعید امیرحاجلو
- ۲۹ بررسی شواهد تأثیر معماری پارسی بر معماری دوره مائوریایی هندوستان  
حسن بلخاری قهپی / حسین الماسی ستوده
- ۴۱ «بهشت ثانی» و «کوچه آراسته از خرمی»، شکل و جایگاه خیابان(ها) در جعفرآباد و قزوین صفوی  
حمیدرضا جیحانی / فاطمه رجبی
- ۶۷ شأن کیفیت در معماری اسلامی، با استناد به آراء ابن عربی  
مهسا رحمانی
- ۸۳ معیارهای قلمرو عمومی خوب شهر  
محمد نقی‌زاده
- ۹۷ گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد، از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول  
مرتضی فرح‌بخش / پیروز حناچی / معصومه غنائی
- ۱۱۷ بازشناسی معیارهای مؤثر بر تجربه و ادراک ساکنان از چرخه ساخت‌وساز در محیط‌های مسکونی،  
نمونه موردی: محله سادات و همت‌آباد بابلسر  
هادی پندار
- ۱۳۳ بازاندیشی نسبت نظر و عمل در کار معمار، با تکیه بر خوانش گادامر از آراء ارسطو درباره «حکمت عملی»  
زهره تفضلی
- ۱۵۹ گزارش علمی: روز درختکاری، بازگشت درختان مثمر و چشم‌انداز مرمت طرح کاشت در باغ فین
- ۱۶۳ راهنمای تدوین و ارسال مقاله
- ۱۶۵ بخش انگلیسی

## معیارهای قلمرو عمومی خوب شهر

محمد نقی زاده\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳

### چکیده

از گذشته‌های دور، همه مکاتب فکری و انسان‌ها و جوامع ویژگی‌هایی را برای بهترین مکان زندگی خویش مدنظر داشته و متفکران و صاحب‌نظران هر جامعه‌ای، این ویژگی‌ها را معرفی می‌کرده‌اند. امروزه با توسعه فیزیکی شهرها و امکانات وسیع حمل‌ونقل و سفر و گردش‌گری، به‌نظر می‌رسد که معیارها و ویژگی‌های خاص برای هر محیط و هر شهر و اجزای شهر، به‌ویژه برای قلمرو عمومی آن باید تبیین و تعریف شود. مقاله حاضر سعی در توضیح و معرفی «معیارهای بهترین قلمرو عمومی شهر» دارد. در واقع، اصلی‌ترین سؤال پیش روی مقاله آن است که برای بهترین «قلمرو عمومی شهر» چه معیارهایی را می‌توان معرفی کرد. در جست‌وجوی پاسخ، روش‌های تحلیلی و استدلالی مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نیز بیانگر وجود نیازهایی انسانی برای کسانی است که در قلمرو عمومی شهر حاضرند، که «قلمرو عمومی خوب» باید پاسخ‌گوی این نیازها به‌نحو مطلوب باشد. نکته قابل تأمل این است که نیازهای انسانی در سه گروه اصلی نیازهای معنوی (یا روحانی)، نیازهای نفسانی (یا روانی) و نیازهای مادی (یا فیزیولوژیک) قابل طبقه‌بندی هستند. این نیازها مربوط و ماب‌ه‌ازای سه ساحت از حیات انسان هستند. این سه ساحت نیز مجموعه همه ساحت‌هایی است که مجموعه ادیان و مکاتب (و نه الزاماً هر کدام به‌تنهایی) برای انسان قائل‌اند. البته با عنایت به اینکه تحقیق در ایران انجام شده است، قاعدتاً ساحت‌های حیات انسانی برگرفته از آموزه‌های دینی و وحیانی اسلام هستند.

### کلیدواژه‌ها:

قلمرو عمومی شهر، شهر، نیازهای انسان، فرهنگ، انسان.

\* استادیار دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، drmnaghizadeh@srbiau.ac.ir

## پرسش‌های پژوهش

۱. تعریف قلمرو عمومی شهر چیست و اصلی‌ترین مصادیق آن کدام‌اند؟
۲. کدام‌یک از نیازهای انسانی باید در قلمرو عمومی شهر پاسخ داده شوند؟

### مقدمه

«سطح» (پهنه یا زمین) هر شهری متشکل است از «سطوح ساخته‌شده» (ساختمان‌ها، اعم عمومی و خصوصی) و «سطوح ساخته‌نشده» (یا فاقد ساختمان) که شامل محوطه‌ها و اختصاصی ساختمان‌ها (اعم از خصوصی و عمومی) و سطوح ساخته‌نشده عمومی می‌شود. این فقدان (ساختمان) به معنی فقدان هرگونه اقدام انسانی، از جمله کف‌سازی، محوطه‌سازی و استقرار اثاثیه شهری نیست. سطوح ساخته‌نشده عمومی نیز شامل همه معابر (خیابان‌ها، کوچه‌ها، بن‌بست‌ها و بزرگراه‌ها و پیاده‌روها)، جلوخان‌ها، میادین، پارک‌ها و فضاهای باز قابل دسترس عموم و همچنین دربردارنده همه فضاهای شهری (به معنای مصطلح آن) می‌شود. علاوه بر آن، بسیاری از سطوح ساخته‌شده و عمومی هستند که دسترسی به آن‌ها برای همه مردم بدون محدودیت (یا محدودیت‌های محدود زمانی) میسر است. این در حالی است که ممکن است این اماکن از نظر امکان دسترسی شامل محدودیت‌های زمانی بشوند؛ مثلاً شب‌ها یا ایام تعطیل به روی مردم بسته باشند. همه این مجموعه را که متعاقباً شرح و معرفی خواهند شد، قلمرو عمومی شهر می‌نامیم.

بارزترین ویژگی قلمرو عمومی مورد نظر آن است که همه مردم بدون محدودیت زمانی، جنسی، قومی، نژادی، فکری، اجتماعی، ثروت و هر عاملی که باعث گروه‌بندی مردم شود، امکان دسترسی و حضور در آن‌ها را دارند. در واقع، «قلمرو عمومی» مورد نظر مقاله حاضر مجموعه فضاهای باز و بسته قابل دسترس عموم مردم در شهر بدون قید و شرط است.

ویژگی شهر مطلوب (به طور عام) و ویژگی‌های هریک از عمارات و عملکردهای شهر از سوی متخصصان بسیاری، به صورت‌های مختلف معرفی شده‌اند و همگان کم‌وبیش با آن‌ها آشنا هستند. اینک سؤال اصلی این است که قلمرو عمومی مطلوب در شهر باید واجد چه ویژگی‌ها و خصوصیت‌ها باشد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال باید قلمروهایی برای مطالعه تعریف و تحدید شوند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

- «قلمروهای حیات انسان» اولین موضوعی است که نیازمند شناسایی و تعریف و تبیین است؛ چراکه میزان مطلوبیت قلمرو عمومی به میزان مطلوبیتی که برای انسان فراهم می‌کند، بستگی تام دارد؛ و در حقیقت این انسان است که قلمرو عمومی شهر را ارزیابی می‌کند.
- تعریف محدوده‌ها و «مراتب نیازهای انسان»، و به‌ویژه آن دسته از نیازهای انسانی که در قلمرو عمومی باید اقناع و ارضا و پاسخ داده شوند، موضوع بعدی است که باید حدود و مراتب آن تعریف شود.
- توجه به زمینه‌های فرهنگی و تاریخی و اقتصادی و طبیعی نیز ضرورتی است که باید برای هر شهر به صورت خاص مدنظر قرار گیرد. در واقع، برخی از مصادیق یا ویژگی‌های قلمروهای عمومی مطلوب برای همه شهرها مصداق داشته و مشترک‌اند، و برخی دیگر برای شهرهای مختلف متفاوت خواهند بود.

### ۱. روش تحقیق و سؤالات اصلی

درباره روش تحقیق، گفتنی است که مقاله پیش رو با طرح سؤال و فرضیه شکل نگرفته است، بلکه مطالعات انباشته نگارنده و تجارب به‌دست‌آمده از بازدیدهای مختلفی که طی سالیان دراز از شهرهای گوناگون و رفتارهای جاری در شهرها داشته، به‌مرور ویژگی‌هایی را برای قلمرو عمومی خوب در شهر در ذهن دسته‌بندی کرده است که در این مقاله سعی در دسته‌بندی عمومی آن‌ها و البته تدوین مبانی نظری و تبیین استدلال‌ات خاص برای وصول به آن‌ها

بوده است. بنابراین، شاید بتوان شیوه تحلیل مشاهدات و تلفیق آن با مباحث نظری مربوط به انسان و زندگی شهری را به‌ویژه برای دوران معاصر، شیوه و روش اصلی تحقیق معرفی کرد. دربارهٔ سؤالات پیش روی مقاله نیز به همین ترتیب می‌توان این سؤالات را طرح کرد: مصادیق قلمرو عمومی شهر کدام‌اند؟ ویژگی‌های قلمرو عمومی خوب در شهر از چه زمینه‌ای قابل استنتاج هستند؟ با عنایت به اینکه قلمرو عمومی شهر باید برای کسانی که در آن حضور می‌یابند مطلوب باشد، کدام‌یک از نیازهای انسانی باید در قلمرو عمومی شهر پاسخ داده شوند و نیز، ویژگی‌های قلمرو عمومی مطلوب که متناظر با نیازهای انسانی هستند کدام‌اند؟

## ۲. پیشینه موضوع

مروری بر ادبیات در دسترس حاکی از آن است که همهٔ مصلحان و نظریه‌پردازان و نوع‌دوستان و همهٔ کسانی که در تدوین اصول و خلق و ایجاد شهر و به‌تبع آن در پدیدآوردن قلمروهای عمومی آن نظریه‌پردازی یا ایفای نقش کرده‌اند، بی‌گمان هم به مطلوبیت این قلمروها می‌اندیشیده‌اند و هم اینکه به‌تناسب، اصول و معیارهایی را برای مطلوبیت شهر مورد نظر خود و قلمروهای عمومی آن برشمرده‌اند. در صدر افرادی که دربارهٔ شهرهای مطلوب برای زندگی انسان نظریه‌پردازی کرده‌اند، کسانی قرار می‌گیرند که دربارهٔ آرمان‌شهرها در قلمرو حکمت و فلسفه سخن گفته‌اند؛ که برخی از بزرگان این گروه (مثل فارابی، افلاطون و سنت آگوستین) که به موضوعات فلسفی و نظری پرداخته‌اند، به‌دلیل آنکه دربارهٔ کالبد و مصادیق عینی شهر آرمانی خویش اظهار نظری نکرده‌اند، از فهرست مباحث این مقاله خارج‌اند. گروه دوم از کسانی که به شهرهای آرمانی پرداخته‌اند مثل توماس مور (مور ۱۳۸۷)، کابه (کابه ۱۳۷۲)، (کالوینو ۱۳۶۸) و... نیز اگرچه کمی‌تر به موضوع شهر پرداخته و حتی از جمعیت و وسعت و محله‌بندی شهر آرمانی خویش سخن گفته‌اند، آن‌گونه که مدنظر مقاله است، به ذکر جزئیات قلمروهای عمومی نپرداخته‌اند. نظریه‌پردازان مطرح در قلمرو طراحی شهری یا کسانی که آرای آن‌ها در قلمرو طراحی شهری یا برنامه‌ریزی شهری یا موضوعات اجتماعی شهر ملاک عمل قرار می‌گیرد، از قبیل لینچ و کرمونا و لوکربوزیه و تیبالدز و راجرز و الدنبرگ و جیکوبز و... نیز به اصول و معیارهای همچون خوانایی، نفوذپذیری، غنای حسی، انعطاف‌پذیری، آزادی حرکت پیاده، سرزندگی و مانند این‌ها (و البته برخی اصول و معیارهایی که به کل شهر مربوط‌اند و از مرکز توجه این مقاله خارج‌اند) اشاره کرده‌اند که عموماً به کلیاتی می‌پردازند که به‌اندازهٔ خود اهمیت دارند، اما اولاً به‌تناسب جوامع و شهرها ممکن است تفاسیر متنوعی از آن‌ها مدنظر قرار گیرند، ثانیاً برای موضوعاتی مثل شهر یا فضای شهری یا معابر و نظیر این‌ها ارائه شده‌اند. به‌بیان دیگر، این گروه نیز عموماً بر ویژگی‌های کالبدی و زیبایی‌شناسانه و برخی ویژگی‌های اجتماعی و عمومی شهر متمرکز بوده‌اند، یا اینکه اصول طراحی شهر و فضاهای شهری را بیان کرده‌اند؛ و به‌عبارت بهتر، به معرفی شهر و فضاهای شهری مطلوب پرداخته‌اند و دیگران به استناد سخنان آنان اصول طراحی را تدوین نموده‌اند.

مقاله حاضر بر آن است تا بدون ورود در مباحث مربوط به شهر (به‌عنوان یک کل) و حتی موضوعات مرتبط با عناصر و اجزا و فضاهای آن به‌صورت خاص، عوامل مطلوبیت قلمرو عمومی شهر را (که متعاقباً توضیح بیشتری در معرفی آن ارائه خواهد شد) از نظر استفاده‌کنندگان قلمرو عمومی شهر و حاضران در آن، بررسی و شناسایی کرده و آن‌ها را فهرست نماید؛ این عوامل می‌توانند به‌عنوان راهنمای طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهر مورد استفاده و استناد قرار بگیرند.

## ۳. تعریف قلمرو عمومی شهر

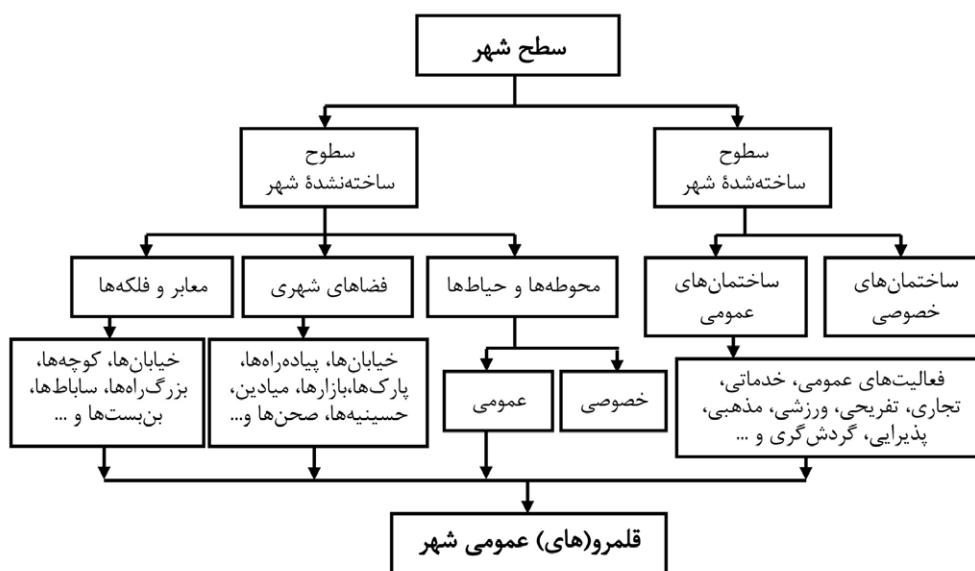
بنا بر آنچه در مقدمهٔ مقاله ذکر شد، منظور از قلمرو عمومی شهر، مجموعهٔ فضاها یا مکان‌ها یا محیط عمومی شهر است که اهل شهر و مسافران یا گردشگران حاضر در آن‌ها، به دلایل مختلفی در آن‌ها حضور می‌یابند. اهم این دلایل عبارت‌اند از: گذران وقت تا رسیدن به زمانی معین (مثل ورود قطار و هواپیما یا ساعات حرکت آن‌ها)، برای انجام کارهای خاص (مثل غذا خوردن، تفریح، استراحت و...)، انتظار برای رسیدن وسایل نقلیهٔ عمومی و سوار شدن به آن‌ها،



گذران وقت برای شروع به کار عملکردهای خاص (مثل ادارات، مراکز خرید، مراکز تفریحی و...)، گذران وقت برای رسیدن به زمانی خاص مثل موقع خواب، وقت صرف غذا، زمان سوار شدن به وسیله نقلیه، آغاز به کار یک اداره یا مکان عمومی دیگر (مانند سینما، کتابخانه، تئاتر و...)، گذران وقت تا فرارسیدن موعد قرارهای ملاقات، وقت گذرانی، گردش و بازدید و مانند این‌ها.

گذشته از همه ویژگی‌هایی که برای فضای شهری خوب، برای مکان خوب، برای مکان عمومی یا برای محیط خوب و مطلوب و حتی برای شهر خوب ذکر می‌شود (Oldenburg 1999؛ لینچ ۱۳۷۷)، مقاله حاضر، بر آن است تا قلمرو عمومی مورد نظر را از منظر انسانی بودن آن به‌ویژه در فضای فرهنگ ایرانی، بررسی و مطالعه کند. وقتی از انسانی بودن سخن به میان می‌آید، قاعدتاً باید تعریف مورد نظر از انسان را نیز ارائه کرد. در ارائه این تعریف، اصلی‌ترین موضوع مدنظر این است که اولاً حیات انسان شامل چه قلمروها یا ساحت‌هایی است، ثانیاً هریک از این ساحت‌ها چه ویژگی‌ها و چه نیازهایی دارند؛ و بالاخره اینکه مجموعه قلمرو عمومی شهر باید به کدامیک از نیازهای انسان پاسخگو باشند. موضوع سومی که باید مدنظر قرار گیرد، طیف انسان‌هایی است که در قلمرو عمومی شهر حضور می‌یابند که قاعدتاً باید دربرگیرنده همه گروه‌های سنی، همه جنسیت‌ها، همه خرده‌فرهنگ‌ها، همه توانایی‌ها یا ناتوانی‌های حسی و حرکتی، همه ساکنان و گردشگران و مانند این‌ها باشد. همچنین، موضوع مهمی که باید در نظر گرفته شود، میزان و تکرر مراجعات یا حداکثر جمعیت حاضر (زمان اوج) در یک زمان و در یک محدوده خاص (به‌عنوان قلمرو عمومی) است.

بنابراین، قلمرو عمومی شهر مجموعه همه فضاها و مکان‌ها و به‌عبارتی محیط عمومی شهر است که قابل دسترس همگان بوده و (غیر از موارد یا زمان‌های خاص که همگان از ورود به آن منع می‌شوند) کسی از ورود به آن‌ها منع نشده است. به این ترتیب ضرورت دارد تا به‌شکل دقیق‌تری مصادیق قلمرو عمومی شهر معرفی شوند تا امکان اختلاط، انحصار یا تطبیق آن با «فضای شهری»، «فضای باز»، «فضای باز شهری»، «مکان عمومی» و «مکان‌های خاص» مرتفع شود (نمودار ۱).



نمودار ۱: سطوح و مصادیق تشکیل‌دهنده قلمرو عمومی شهر

#### ۴. مصادیق قلمرو عمومی شهر

دو گروه از فضاها و مکان‌ها را می‌توان به‌عنوان مصادیق قلمرو عمومی در شهر معرفی کرد: «فضاها و مکان‌های عمومی عام» و «فضاها و مکان‌های عمومی خاص». شایان ذکر است که اگرچه مجموعه همه مصادیق، قلمرو عمومی شهر را تشکیل می‌دهند، هریک از آن‌ها به‌تنهایی نیز می‌تواند به‌عنوان قلمرو عمومی شهر ایفای نقش کند.

##### ۴.۱. فضاها و مکان‌های عمومی عام

این مجموعه شامل موارد زیر می‌شود:

- مجموعه همه فضاها و مکان‌های عمومی که جوامع مختلف از آن ارائه می‌کنند؛
- مجموعه همه معابر اعم از بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌ها و میدان‌ها و فلکه‌هایی که فضای شهری نیستند، اما (از نظر امکان دسترسی عموم و به‌خصوص پیاده‌ها، بدون محدودیت زمانی) مصداق قلمرو عمومی بر آن‌ها صدق می‌کند؛
- مجموعه همه فضاها و تفریحی که حتی ممکن است طبق برنامه‌ای خاص دارای ساعت کار بوده و در ساعاتی از شب یا زمان‌های مشخص تعطیل شوند؛
- همه پاتوق‌هایی که در فضاها و باز شهری تشکیل می‌شوند و شناخته شده هستند.

##### ۴.۲. فضاها و مکان‌های عمومی خاص

این مجموعه عموماً شامل فضاها و مکان‌هایی اعم از باز و بسته می‌شود که امکان برخی محدودیت‌های زمانی یا شرطی برای حضور در آن‌ها وجود دارد و اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

- مجموعه همه ایستگاه‌های مترو و راه‌آهن و ترمینال‌های اتوبوس و فرودگاه‌ها؛
- مجموعه محوطه‌های باز و صحن‌ها و جلوخان همه اماکن مذهبی اعم از مساجد، زیارتگاه‌ها، حسینیه‌ها، مقابر، تکایا، خانقاه‌ها، کلیساها و مانند این‌ها؛
- مجموعه همه فضاها و راهروهای داخلی و محوطه‌های وسیع مجتمع‌های تجاری، اداری، درمانی، آموزشی (دانشگاه‌ها)، گردش‌گری، تفریحی، پذیرایی، ورزشی و مانند این‌ها؛
- محوطه‌های باز شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی؛ به‌ویژه آن‌هایی که مورد استفاده مداوم اهالی قرار گرفته و به‌خصوص که به روی عموم گشوده باشند؛
- همه محوطه‌های تاریخی و باستانی از قبیل تخت جمشید، حافظیه، چغازنبیل، تخت سلیمان، پاسارگاد، چشمه‌علی، سعدیه و مانند این‌ها؛
- محوطه همه اماکن و آثار تاریخی که مورد بازدید عموم قرار می‌گیرند؛
- همه پاتوق‌ها و محل‌های پذیرایی تعریف‌شده و حتی محدوده‌های فروش غذاهای بیرون‌بر پرمشتری که مشتریان از محوطه پیرامونی آن‌ها به‌عنوان محل استراحت و بیتوته و غذاخوری استفاده می‌کنند.

##### ۴.۳. درجه عمومیت قلمرو عمومی شهر و معماری آن

علاوه بر موارد مذکور، نکاتی دیگر نیز درباره کیفیت قلمرو عمومی شهری مطلوب باید مورد توجه قرار گیرند. نکته اول مربوط به درجه عمومیت قلمرو است. اگرچه همه آنچه به‌عنوان مصادیق قلمروهای عمومی شهر ذکر شدند، «عمومی» هستند، نکته‌ای که نباید مغفول بماند، میزان عمومیت هریک از قلمروهاست که این موضوع در طبقه‌بندی قلمروهای عمومی شهر و نوع و شیوه تجهیز و سامان‌دهی آن‌ها بسته به مصداق قلمرو عمومی برای بهره‌وری حداکثری، نقشی شایان توجه ایفا می‌کند.

نکته بعدی توجه به معماری قلمرو عمومی شهر است که در اولین مرحله، به جنس و بافت کف و جداره‌ها و تناسب آن‌ها با انسان و نیازهای حرکتی وی و ادراکات او از فضا و مکان در حال حرکت مربوط می‌شود. کف‌سازی‌ها در عین زیبایی و مطلوبیت و هویت داشتن و اقناع ادراکات و حواس مختلف انسان باید با مصالح مناسب، سطحی مطلوب برای حرکت را برای همه مردم اعم از پیر و جوان و کودک و زن و مرد و سالم و معلول بدون هیچ زحمت یا تقطیع



غیرمنطقی مسیر فراهم کند. توجه کنیم که قلمرو عمومی متعلق به عموم و همگان است و اشغال آن توسط هر گروه یا فرد یا فعالیتی به مطلوبیت آن خدشه وارد می‌کند؛ که قاعداً باید از این‌گونه اشغال‌ها احتراز و از وقوع آن‌ها پیشگیری شود.

نکات بعدی، نظم و نظافت و پاکی و طهارت قلمرو عمومی و اجزای آن است که جنبه‌های مختلف آن‌ها می‌تواند کیفیت محیط را افزایش داده و زمینه‌ساز بهره‌گیری هرچه بهتر مردم از قلمرو عمومی شوند.

## ۵. مبانی نظری

با توجه به موارد مذکور و سؤالات مطروحه در مقدمه مقاله، اصلی‌ترین موضوعاتی که باید بررسی و ابعاد مختلف آن‌ها روشن شود، برخی از موارد مربوط به انسان و نیازهای وی (به‌عنوان اصلی‌ترین استفاده‌کننده از قلمرو عمومی)، و سپس فهرست‌نمودن نیازهایی است که باید در قلمرو عمومی شهر اقلان و پاسخ داده شوند. به هر حال، در این مجال، به این موضوعات اشاره‌ای اجمالی به عمل می‌آید.

### ۱.۵. ساحت‌های وجود و ساحت‌های حیات انسان

قبل از معرفی و توضیح ساحت‌های حیات انسان، قابل ذکر است که عالم هستی و طبیعت دارای مراتبی است؛ به عبارت بهتر، بر عالم هستی سلسله‌مراتبی حاکم است. در تقسیم عالم وجود توسط علمای اسلامی، به چهار عالم کلی اشاره شده است: «عالم طبیعت ناسوت: یعنی عالم ماده و حرکت و زمان و مکان و به عبارت دیگر عالم طبیعت و محسوسات یا عالم دنیا؛ عالم مثال یا ملکوت: یعنی عالم برتر از طبیعت که دارای صور و ابعاد هست اما فاقد حرکت و زمان و تغییر است؛ عالم جبروت: یعنی عالم عقول یا عالم معنی که از صور اشباح میراست و فوق عالم ملکوت است و عالم لاهوت یعنی عالم الوهیت و احدیت» (مطهری بی‌تا، ۱۶۵).

همچنین در توضیح آرای ابن عربی آمده است: «مراتب عمده عالم هستی را ممکن است به ترتیب صعودی چنین خلاصه کرد: عالم صور بشری و جسمانی، یا ناسوت؛ عالم انوار لطیف و جوهر نفسانی، یا ملکوت که آن را عالم خیال و صور معلقه، یا عالم مثال نیز گفته‌اند، عالم وجود روحانی ماوراء صور، یا جبروت؛ و مرتبه وجود الهی که خود را در صفات کامل خویش آشکار می‌سازد، یا لاهوت؛ بالای همه این‌ها عالم ذات الهی، یا هاهوت قرار می‌گیرد که از هر تعین برتر است» (نصر ۱۳۶۱، ۱۳۶).

اصولاً جهان هستی و عالم وجود تابع یا نمایشگر سلسله‌مراتبی استوار و تعریف شده است که به‌ویژه در جوامع سنتی (یعنی جامعه‌ای که مبانی حیات و فعالیتش را از وحی گرفته است) به‌عنوان مبنای چگونگی ارتباط انسان با جهان هستی جلوه‌گر می‌شود. «هستی در جهان‌شناسی سنتی دارای ساختارها و ساحت‌های وجودی متعددی است. هستی از مبدأ اعلی یا واحد یعنی از خداوند شرف صدور یافته و از مراتب یا عوامل بسیاری تشکیل می‌شود که آن‌ها را می‌توان در «عالم عقول»، «عالم نفوس» و «جهان خاکی» خلاصه کرد. فوق عوالم سه‌گانه مذکور، «وجود محض» و برتر از آن، مبدأ ماورایی و فوق‌کیهانی است که از مجموعه این مراتب، تجلی پنج‌گانه الهی تعبیر می‌شود. انسان در جهان خاکی به‌سر می‌برد که در عین حال محاط در مراتب وجودی برتر از خود است» (نصر ۱۳۷۰، ۳۸) با توجه به ویژگی‌هایی که برای «کل» (ها) و «اجزای» (ها) ذکر می‌شود (که به هر حال این ویژگی‌ها با شدت و ضعف و به‌صورت سلسله‌مراتبی در آن‌ها مشاهده می‌شود)، «حیات انسانی» نیز به‌عنوان یک «کل» (عالم صغیر) که خود «جزئی» از عالم هستی (عالم کبیر) است از این قاعده مستثنا نیست و این حیات دائماً در حال تکاپو برای گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر (مرحله‌ای بالاتر) است. به‌طوری که می‌توان گفت: «حیات تکاپویی است آگاهانه، هریک از مراحل زندگی که در این تکاپو سپری می‌شود، اشتیاق و نیروی حرکت به مرحله بعدی را می‌افزاید و شخصیت انسانی رهبر این تکاپوست. آن شخصیت که لطف ازلی سرچشمه آن است، گردیدن در بی‌نهایت گذرگاهش، ورود در جاذبه پیشگاه ربوبی کمال مطلوبش» (جعفری ۱۳۶۹، ۲۲).

در واقع، درباره انسان می‌توان گفت که ساحت‌ها و مراتبی از حیات در موجودی به نام انسان، مجتمع و همراه هستند.

به بیان دیگر، نکته اساسی در مقایسه مراتب وجود و ساخت‌های حیات انسان (که گاهی از سوی افرادی با یکدیگر خلط می‌شوند)، این است که عوالم وجود عموماً مستقل از یکدیگر بوده و در یک سلسله‌مراتب صعودی یا نزولی مطالعه می‌شوند. اما ساخت‌های سه‌گانه حیات انسان در زمان واحد در انسان همراه بوده، و به عبارت دیگر، این ساخت‌ها تا وقتی که فرد زنده است، ممزوج و متداخل و تفکیک‌ناپذیرند.

### ۱.۱.۵. معرفی مبانی قرآنی ساخت‌های سه‌گانه حیات انسان

با توجه به اینکه مقرر است در فضای اندیشه توحیدی و فرهنگ ایرانی به ساخت‌های حیات انسان بپردازیم، در این مجال، به نظر قرآن کریم درباره سه ساخت وجودی حیات انسان یعنی روح و نفس و جسم اشاره می‌شود:

■ **آیات اشاره‌کننده به روح:** پیچیده‌ترین ساخت حیات انسان که عامل تمایز او با سایر موجودات (به‌ویژه جانداران) و همین‌طور عامل تشخیص او در میان مخلوقات الهی است، ساخت روحانی حیات اوست. آیاتی که به این ساخت از حیات انسان اشاره دارند عبارت‌اند از: «و يسألونك عن الروح قل الروح من أمر ربي. و درباره روح از تو می‌پرسند بگو روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است» (اسراء: ۸۵) و «فإذا سؤيته و نفخت فيه من روجي فقعوا له ساجدين: پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید» (ص: ۷۲).<sup>۲</sup>

■ **آیات اشاره‌کننده به نفس:** آیات اشاره‌کننده به نفس حالات متنوع و متفاوتی برای آن معرفی می‌کند؛ از جمله: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَعْمُومَةُ: ای نفس مطمئنه» (فجر: ۲۷)، «و لا أقسم باللّوامة: و سوگند به نفس لوامه و وجدان بیدار و ملامتگر که رستاخیز حق است» (قیامت: ۲) و «و ما أبرئ نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي إن ربي غفور رحيم: و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم؛ چراکه نفس قطعاً به بدی امر می‌کند مگر کسی را که خدا رحم کند زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است» (یوسف: ۵۳).<sup>۳</sup>

■ **آیات اشاره‌کننده به جسم و ماده انسان:** آیات متعددی از قرآن کریم به ماده جسمانی او اشاره کرده‌اند؛ از جمله: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ: ای مردم اگر درباره برانگیخته شدن در شکید پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم» (حج: ۵) و «خلق الإنسان من صلصال كالفخار: انسان را از گل خشکیده‌ای سفال‌مانند آفرید» (رحمن: ۱۴).<sup>۴</sup>

### ۲.۱.۵. مقایسه رابطه روح و جسم از منظر مولوی

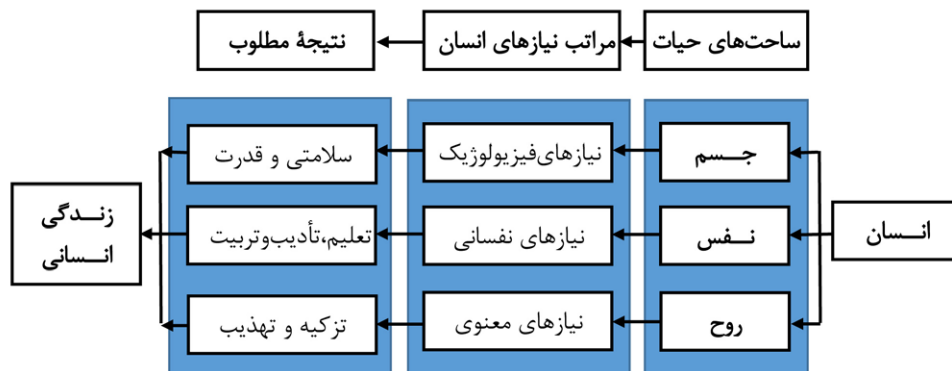
مثال زیبا و گویای مولوی در فیه ما فیه که «روح» را به «سوار» و «جسم» را به «اسب» تشبیه می‌کند و متذکر می‌شود که باید مراقب بود و دانست که غذای این دو از یکدیگر متفاوت است. این سخن گواهی است بر اهمیت روح و معنویت در مقابل جسم و دنیا: «تو را غیر این غذای خواب و خور غذای دیگرست که: ابيت عند ربي يطعميني و يشقييني.<sup>۵</sup> درین عالم آن غذا را فراموش کرده‌ای و به این مشغول شده‌ای و شب و روز تن را می‌پروری. آخر این تن اسب توست و این عالم آخر اوست؛ و غذای اسب غذای سوار نباشد. او را به سر خود خواب و خوری ست و تنعمی است، اما سبب آنک حیوانی و بهیمی بر تو غالب شده است تو بر سر اسب در آخور اسبان مانده‌ای و در صف شاهان و امیران عالم بقا مقام نداری. دلت آنجاست اما چون تن غالب است، حکم تن گرفته‌ای و اسیر او مانده‌ای» (مولوی ۱۳۹۰، ۲۴).

### ۲.۵. نیازهای اساسی انسان

نیازی به اثبات ندارد که: تأمین نیازهای انسان «شرط» لازم برای «بقا» در عین حفظ «کیفیت مطلوب زندگی» در جهت کمال و تحصیل اهداف مورد نظر از «حیات انسان» است که برای هریک از این عوامل، منطبق بر نیازهای فیزیولوژیکی، روانی و معنوی انسان می‌توان مرتبه و درجه‌ای را ذکر کرد. به همین دلیل است که می‌توان گفت همه فعالیت‌های انسان به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهایش انجام می‌شوند؛ و آثار انسانی و از جمله شهر و اجزا و قلمرو عمومی آن نیز به‌منظور تأمین مطلوب نیازهای انسان خلق و تولید و ساخته می‌شوند، بنابراین، شناخت مراتب نیازهای انسان برای تعریف و احصای ویژگی‌های قلمرو شهر مطلوب یک ضرورت است.

یکی از موضوعات اصلی که ضرورت شناخت ویژگی‌های قلمرو عمومی یک شهر مطلوب است، توجه به طبقات

نیازهای انسان است؛ این طبقات نیازهای انسان، مابه‌ازا و متناظر با ساحت‌های سه‌گانهٔ حیات وی (یعنی ساحت روح، ساحت نفس و قلمرو جسم) هستند. همان‌گونه که برای حیات انسان سه بُعد روحانی، نفسانی و جسمانی متصور است، به‌تناسب این سه ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقولهٔ نیازهای روحانی یا معنوی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه)، نیازهای نفسانی یا روانی (مثل آزادی، حبّ ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و...) تقسیم‌بندی می‌شوند (نقی‌زاده ۱۳۸۵). بنابراین، در تبیین ارتباط ساحت‌های حیات انسان با نیازهای وی، و شناسایی نیازهای مابه‌ازای آن ساحت‌ها و نتایجی که از تأمین نیازهای هر ساحت مدنظر است، که حاصل و تجمیع آن‌ها به «زندگی انسانی» خواهد انجامید، نمودار ۲ قابل ارائه خواهد بود. در توضیح ستون سوم این نمودار که در آن به نتایج مورد انتظار از رفع نیازها اشاره می‌کنند، می‌توان گفت که انتظار اصلی از تأمین نیازهای فیزیولوژیک و جسمی انسان، ایجاد سلامت جسمانی و تأمین قدرت برای دوام بقای جسمانی است که این ساحت زمینه‌ساز خدمت‌گزاری جسم برای ساحت‌های بالاتر و فراهم آوردن امکان رشد و تعالی آن‌ها خواهد بود.



نمودار ۲: «رابطهٔ ساحت‌های حیات انسان» و «مراتب نیازهای وی» و حاصل ارضای «مطلوب نیازها» (نقی‌زاده ۱۳۹۵ ب)

امروزه از اصلی‌ترین نیازهای جسمی یا فیزیولوژیک با عنوان آب پاک، هوای پاک، غذای سالم، انرژی پاک، بهداشت و مانند این‌ها یاد می‌شود. دربارهٔ نیازهای نفسانی یا روانی (یا نیازهایی که می‌توان نام نیازهای انسانی را بر آن نهاد)، یادگیری و فرهنگ‌سازی، یعنی شیوهٔ مطلوب زندگی انسانی مدنظر است. نیازهای این ساحت همان‌هایی هستند که میان همهٔ انسان‌ها (اگرچه با تعاریف و مصادیق متفاوت) ثابت‌اند. در این مقوله، از موضوعاتی با عنوان عشق و آزادی و زیبایی و عدالت و مانند این‌ها می‌توان یاد کرد. و بالاخره، حاصل تأمین نیازهای معنوی که پاسخ‌گوی نیازهای ساحت روحانی حیات هستند باید تزکیه و تهذیب و حس حضور باشد که امکان ارتباط با خداوند و موضوعات ماوراءالطبیعه را تسهیل و قابل‌فهم نماید.

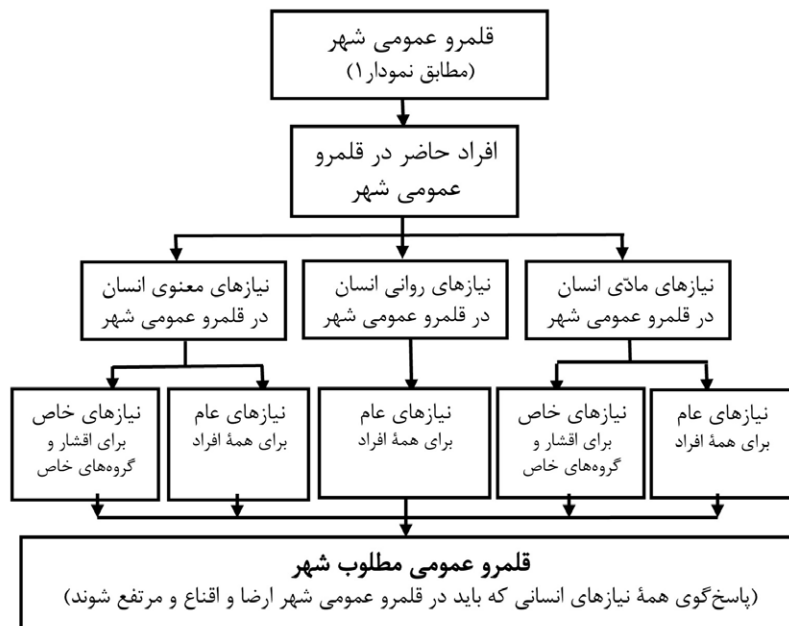
در سطوح فوق از مراتب نیازهای انسان به‌طور عام صحبت شد؛ و اینک موضوع دیگری طرح می‌شود، و آن این موضوع بنیادین است که هر یک از نیازهای انسانی (به‌عنوان یک مفهوم) خاص یک ساحت از حیات نبوده و بالعکس، هر نیاز دارای مراتبی است که هر یک از این مراتب در هر ساحت از حیات مصداق خاص خود را دارد. به‌بیان دیگر، هر یک از نیازهای انسان، در هر ساحت از زندگی مصداق (یا مصادیق) خاص خود را دارد. برای نمونه، دربارهٔ نیاز انسان به «تغذیه» می‌گوییم؛ همان‌طور که جسم انسان برای دوام خویش نیازمند تغذیه است، ساحت‌های نفس و روح نیز برای دوام و تعالی و کمال خویش نیازمند تغذیهٔ مناسب هستند. یا همان‌گونه که چشم و گوش انسان به تماس با «زیبایی» نیازمند هستند، نفس انسان و همچنین روح او محتاج تماس با زیبایی متناظر کیفی و معنوی هستند؛ تا

بدین گونه حس زیباییجویی انسان ارضا شود. یا همان طور که انسان از نظر ظاهری و جسمی واجد هویتی است، برای وی مراتبی از هویت روانی و همچنین هویت روحانی نیز متصور است که باید به آنها برسد.

## ۶. نیازهای اساسی انسان در قلمرو عمومی شهر

قبل از ورود در توضیح و معرفی نیازهای انسان در قلمرو عمومی شهر لازم به توضیح است که مطابق نظریه مطرح در این مقاله و همان طور که در سطور فوق اشاره شد، که البته در موضع دیگری مشروحاً توضیح شده است (نقی زاده ۱۳۹۰؛ همو ۱۳۸۵)، هر نیازی که برای انسان مطرح شود در هر ساحتی از حیات، مصداق خاص خود را خواهد داشت. نکته مورد توجه دیگر اینکه وقتی از انسان سخن می‌گوییم منظور همه انسان‌ها بدون توجه به سن و جنس و قومیت و توانایی‌های جسمی و روانی و معلولیت‌هاست. موضوع دیگری که توجه کردن به آن ضرورت دارد این است که در اینجا سلسله‌مراتب نیازها و به‌ویژه سلسله‌مراتب ترجیحی نیازها مدنظر نیست؛ بلکه آنچه مدنظر است همه نیازهای انسانی به‌طور توأمان و جایگاه و مصداق آنها در هر ساحت از حیات انسان است.

با توجه به آنچه درباره مراتب و ساحت‌های حیات انسان ذکر شد، نیازمند بودن هر ساحت از حیات انسان به برخی از موضوعات که می‌توانند به‌عنوان دوام و بقای آن ساحت ایفای نقش کنند، امری محرز و انکارناپذیر است. این موضوع یعنی نیازمند بودن موجودات به موضوعاتی خاص، اصلی عمومی است که به‌ویژه درباره پدیده‌هایی که به‌نوعی از حیات و حرکت و کمال‌گرایی برخوردارند، اهمیت بیشتر و واضح‌تری دارد. علاوه بر این‌ها، محل ارضای هر نیازی در مکان یا مکان‌هایی خاص میسر و مطلوب است، و برخی مکان‌ها و فضاهای نیز نیازهای خاصی را طلب می‌کنند. به هر حال، برخی از اصلی‌ترین نیازهای هر ساحت از حیات انسان در قلمرو عمومی شهر را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد. گفتنی است که برای همه این موارد که به آنها اشاره می‌شود، نمونه‌هایی قابل ارائه است که جهت احتراز از تطویل مقاله فقط به چند مورد اشاره شده؛ و در نمودار ۳ نیز به ارتباط نیازهای انسان و قلمروهای عمومی شهر اشاره شده است. ضمن آنکه لزوماً همه نیازهای انسانی در هر قلمرو همسان و به یک اندازه و از یک جنس نباید مورد توجه قرار گیرد.



نمودار ۳: رابطه قلمرو عمومی شهر، گروه‌های انسانی و نیازهای آنان

## ۱.۶. نیازهای فیزیولوژیک

نیازهای فیزیولوژیک انسان‌ها در قلمرو عمومی شهر در دو گروه نیازهای عام و نیازهای خاص طبقه‌بندی هستند. نیازهای عام نیازهایی هستند که همه انسان‌ها، بلااستثنا به آن‌ها نیاز دارند؛ مثل هوای پاک. اما نیازهای خاص نیازهایی هستند که افراد مختلف به تناسب ویژگی‌های خویش (جنسیت، سن، میزان توانایی‌های جسمانی و فرهنگ) و به تناسب ارتباطی که با قلمرو عمومی دارند (از نظر میزان و مدت و علت حضور) به یک یا چند یا همه آن‌ها نیازمند هستند. اهم این نیازها عبارت‌اند از: دسترسی آسان به آب سالم برای نوشیدن، امکان حرکت و دسترسی آسان و امن به نیازها به‌ویژه برای پیاده‌ها و کم‌توانان و ناتوانان و معلولان و پاک‌ی و نظافت (تصاویر ۱، ۲، ۳ و ۴)، دسترسی آسان به مکانی برای نشستن، دسترسی سهل و آسان به اطلاعات مورد نیاز درباره شهر و موقعیت و امکانات در دسترس، دسترسی مناسب به مکان تأمین غذا، دسترسی بسیار آسان به سرویس بهداشتی، در امان بودن در مقابل شرایط نامساعد جوّی مثل بارندگی و تابش آفتاب و بادهای نامطلوب (به‌تناسب ویژگی‌های عملکرد قلمرو عمومی)، توجه به زیبایی‌های حسی در منظر عمومی قلمرو عمومی شهر (نک: نقی‌زاده ۱۳۹۳؛ امین‌زاده ۱۳۹۴)، امنیت در مقابل هرگونه آزار دیگران و همچنین در مقابل آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی و سروصداها جاری در شهر، و اقناع حسی و لذات حواس مختلف.



تصاویر ۱ و ۲: اختلال در پیاده‌رو دو شهر (راست: نشست دوسانتی‌متری و حفاظت از عابر؛ چپ: یک چاه و سپردن عابر به دست تقدیر)



تصاویر ۳ و ۴: دو نوع برخورد در برابر اشغال پیاده‌رو. بالا: اختصاص بخشی از سطح خیابان به پیاده‌ها؛ پایین: فرستادن پیاده‌ها به سطح خیابان تا حدود محور آن



## ۲.۶. نیازهای روانی

نیازهای روانی که گاهی از آن‌ها به‌عنوان نیازهای انسانی یاد می‌شود، طیف وسیعی از نیازها را در بر می‌گیرند، که هریک از آن‌ها نیز مصادیق متنوعی دارند. برخی از اصلی‌ترین نیازهای مربوط به حوزه روان انسان عبارت‌اند از: حس امنیت در مقابل انواع آلودگی‌های روانی و فرهنگی، حس امنیت در مقابل تبلیغاتی که مروج و مبلغ مصرف و رشد از خودبیگانگی‌اند، دسترسی مناسب و راحت به اطلاعات مورد نیاز در قلمرو دانش شهری و امکانات و تسهیلات قابل استفاده، اقبال حس زیبایی‌انسان، حس عدالت در دسترسی به امکانات و استفاده از آن‌ها، فقدان حس تحقیر به‌ویژه در مقابل ساخته‌های انسان و در مقایسه با گروه‌های انسانی دیگر، حس عدالت در دسترسی و استفاده از امکانات، حس آزادی در انجام اموری که قانوناً (یا عرفاً) ممنوع نیستند، وضوح قانون‌مندی و عدم احتمال اعمال سلیقه‌های شخصی و فردی (تصاویر ۵، ۶ و ۷)، توجه به زیبایی‌های کیفی در منظر عمومی قلمرو عمومی شهر (نک: نقی‌زاده ۱۳۹۳؛ امین‌زاده ۱۳۹۴) و سایر نیازهای روانی و نفسانی کسانی که در قلمرو عمومی شهر قرار می‌گیرند.



تصاویر ۵، ۶ و ۷: تناقض‌ها در تابلوها

در یک تصویر (بالایی: تصویر ۵) کفش پاشنه‌بلند به عنوان دام شیطان معرفی می‌شود. و در دو تصویر دیگر (وسط و پایین: تصاویر ۶ و ۷) کفش پاشنه‌بلند تبلیغ می‌شود یا عامل تبلیغ می‌شود.

## ۳.۶. نیازهای معنوی

نیازهای معنوی انسان مهم‌ترین گروه از نیازهای انسانی هستند که پاسخ‌گویی به آن‌ها از ظرافت خاصی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که پاسخ به سایر نیازها نیز باید به‌نحو مناسبی رنگ و بوی معنوی به خود بگیرند. درباره وجه تمایز یا تبیین اهمیت نیازهای معنوی انسان، نسبت به نیازهای دیگر، قابل ذکر است که با توجه به اهمیت و جایگاه ساحت روحانی حیات این ساحت و به‌تبع آن نیازهای انسان‌ها در این ساحت در درجه اول اهمیت قرار دارند؛ چراکه مطابق آموزه‌های دینی اصولاً زندگی جسمانی و روانی انسان بایست در خدمت ساحت روحانی انسان بوده و در جهت تعالی و رشد روح انسان ایفای نقش کنند.

نیازهای معنوی انسان با باورها و اعتقادات وی و به‌ویژه به نوع باور او به ماوراءالطبیعه مرتبط بوده و نسبت به دو دسته نیازهای قبلی، در جوامع مختلف و برای انسان‌های مختلف از تنوع و گوناگونی بیشتری برخوردارند. این تنوع و گوناگونی درباره یک نیاز واحد نیز وجود دارد. به هر حال، نیازهای معنوی نیز از آن دسته نیازهایی هستند که در دو گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند؛ یکی نیازهایی که بنا به ضرورت‌های زمانی یا مکانی یا موردی باید امکان پاسخ‌گویی به آن‌ها در قلمرو عمومی شهر فراهم باشد (مانند آگاهی به زمان‌های خاص، امکان اقامه نماز در اوقات معین، و دسترسی آسان به اماکن مورد نیاز)؛ گروه دوم نیازهایی هستند که در قالب آثار و فعالیت‌ها و



مناظر باید تأمین شوند (مثل هدایت، دسترسی به مکان عبادت، تذکردهی محیط یا ارتقای حس حضور در ذهن انسان، اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه‌های معنوی و مانند این‌ها). اصلی‌ترین عواملی که در پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان نقشی شایان توجهی ایفا می‌کنند علاوه بر اشارات مستقیم (که البته حدود و شرایط و محدودیت‌هایی دارند) عبارت‌اند از متخلّق بودن طراح و برنامه‌ریز و مدیر شهر به ارزش‌های اخلاقی، بهره‌گیری از آثار هنری به‌نحو مناسب و تأثیرگذار و محرک و متذکر (و نه محرک مشتبهات مادی)، بهره‌گیری از عناصر طبیعی و به‌عبارت بهتر، تلفیق مناسب عناصر طبیعی با آثار انسانی به‌منظور تذکردهی و تلطیف صلبیت و خشونت آثار انسانی. برای این موضوعات، نمونه‌های فراوانی وجود دارد که با توجه به محدودیت‌های یک مقاله، به یکی از جلوه‌های آن که سیطره ساختمان‌های معنوی بر کل شهر است اشاره می‌شود (تصاویر ۸ و ۹). این سیطره نمایش ویژگی‌ها و ارزش‌هایی چون تذکردهی، تواضع، حیا، توجه به معنویت و رجحان آن به سایر موارد و موضوعات، و یا خلاف آن در این دوران می‌باشد. برای توضیح مطلب، به دو نقل‌قول از دو نفر از کسانی اشاره می‌شود که علی‌رغم آنکه معمار و شهرساز نیستند این موضوع را به‌خوبی بیان کرده‌اند. ابتدا به نظر مرحوم آل‌احمد اشاره می‌شود که ده‌ها سال قبل اهمیت موضوع را به شهردار تهران تذکر می‌دهد؛ گویا امروز است؛ او می‌گوید: «آقای شهردار، آیا می‌دانید که در یک شهر اسلامی، بلندتر از مناره خانه خدا چیزی ساختن زشت است؟ دست‌کم این را می‌دانید که حتی برج مقبره سلطنتی را هم از گنبد حضرت عبدالعظیم (ع) بلندتر نساختند» (آل‌احمد ۱۳۵۷، ۲۳۹). مورد بعدی سخن آقای داوری اردکانی است که به‌عنوان یک فیلسوف، رابطه شهر را با مردمش تعریف می‌کند و در واقع ریشه‌های اشکالات شهر را در روحیات طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهر می‌داند و می‌نویسد: «شهر با ساکنانش هماهنگ و متناسب است. ما خودمان را از شهر و شهر را از خودمان جدا ندانیم. ما آدمیان همواره عالمی داریم و در عالم خود کسی هستیم. تغییر وجود ما با تغییر عالم هم‌زمان است. شهر آیینۀ وجودمان و نظم و نظام آن مظهر سامان و بی‌سامانی روح و فکر ماست» (داوری اردکانی ۱۳۸۲، ۱۳۳).



تصویر ۹: سیطره عناصر مادی بر شهر و حتی بر عناصر مذهبی و روحانی



تصویر ۸: سیطره عناصر معنوی و روحانی بر شهر در بافت‌های تاریخی

## نتیجه

همه رشته‌های مرتبط و مؤثر در شکل‌گیری قلمروهای عمومی شهر اعم از طراحی شهری، معماری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی محیط، معماری منظر، تشکیلات فرهنگی و به‌ویژه مدیریت شهری در خلق قلمرو عمومی شهر، به‌نوعی که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای مردمان حاضر در آن قلمرو باشند، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در این میان، نقش

مدیریت شهر که مدام با این قلمرو مرتبط بوده و تغییرات و تکمیل و اصلاح آن را عهده‌دار است و همچنین امکان ارزیابی مداوم آن را دارد، نقشی برجسته است. در واقع همه رشته‌های مرتبط با شهر به صورت سلسله‌مراتبی، باید مطلوبیت قلمرو عمومی شهر را در پاسخ‌گویی به کسانی که به هر منظوری در آن حضور می‌یابند، مدنظر قرار دهند. از میان همه رشته‌های مرتبط با شهرسازی و شهرنشینی و شهرداری که با قلمرو عمومی شهر مرتبطند، می‌توان به نقش چهار رشته اشاره کرد: اولاً تشکیلات آموزشی در آموزش رشته‌های مختلف و همچنین آموزش عمومی و معرفی حقوق مردم در قلمروهای عمومی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. ثانیاً رشته‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری باید ویژگی‌های قلمروهای عمومی شهر را آن‌گونه که باید تعریف و تبیین نموده و طرح مطلوب و مناسب آن را تهیه کنند. و بالاخره مدیران شهر قرار دارند که باید ضمن اجرای طرح‌های مناسب، نسبت به آموزش عمومی برای استفاده مناسب از قلمروهای عمومی شهر و همچنین روزآمد نمودن آن‌ها به تناسب ایده‌های نو اقدام کنند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه در این زمینه و آشنایی با تعاریف و مصادیق فضاهای شهری، نک: بحرینی ۱۳۷۷؛ پاکزاد ۱۳۸۴؛ توسلی و بنیادی ۱۳۷۱؛ نقی‌زاده ۱۳۹۵ الف؛ همو ۱۳۹۲.
۲. همچنین حجر: ۲۹؛ سجده: ۹؛ ص: ۷۲؛ غافر: ۱۵.
۳. همچنین آل‌عمران: ۱۸۵؛ نساء: ۱؛ انعام: ۹۸؛ تکویر: ۱۴؛ انفطار: ۵؛ عنکبوت: ۵۷ و...
۴. همچنین سجده: ۷؛ انعام: ۲؛ صافات: ۱۱؛ کهف: ۳۷؛ آل‌عمران: ۵۹؛ مؤمنون: ۳۵؛ حج: ۵؛ روم: ۲۰؛ فاطر: ۱۱؛ غافر: ۶۷.
۵. اشاره به آیه شریفه «وَ الَّذِي هُوَ يَطْعَمُنِي وَ يَسْقِينِي: وَ أَن كَس كِه او به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند» (شعراء: ۷۹).

### منابع

- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی، ناصر. (نرم‌افزار المبین).
- آل‌احمد، جلال. ۱۳۵۷. *ارزیابی شتاب‌زده*. تهران: امیرکبیر.
- امین‌زاده، بهناز. ۱۳۹۴. *ارزش‌ها در طراحی منظر شهری*. تهران: دانشگاه تهران.
- بحرینی، سیدحسین. ۱۳۷۷. *فرایند طراحی شهری*. تهران: دانشگاه تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۴. *راهنمای طراحی فضاهای شهری*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- توسلی، محمود، و ناصر بنیادی. ۱۳۷۱. *طراحی فضای شهری (۱)*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۶۹. *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- داوری اردکانی، رضا. ۱۳۸۲. *شهر و ساکنانش*. مجله نامه فرهنگ. (۴۷): ۱۲۷-۱۳۴.
- کابه، اتین. ۱۳۷۲. *سفر به آرمانشهر (ایکاری)*. ترجمه محمد قاضی. تهران: دانشگاه تهران.
- کالوینو، ایتالو. ۱۳۶۸. *شهرهای نامرئی*. ترجمه ترانه یلدا. تهران: پایپروس.
- لینچ، کوین. ۱۳۷۷. *فرم خوب شهر*. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. بی‌تا. *آشنایی با علوم اسلامی (منطق - فلسفه)*. قم: صدرا.
- مور، تامس. ۱۳۸۷. *آرمان‌شهر (یوتوپیا)*. ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری. تهران: خوارزمی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۹۰. *فیه ما فیه*. تهران: زرین.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۰. *هنر قدسی در فرهنگ ایران*. ترجمه سید محمد آوینی. در مجموعه مقالات جاودانگی و هنر (گردآورنده: سید محمد آوینی). تهران: برگ.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۶۱. *سه حکیم مسلمان*. ترجمه احمد آرام. تهران: کتاب‌های جیبی.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۵ الف. *طراحی شهر و فضای شهری ایرانی*. تهران: خورشیدباران.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۵ ب. *شهر علوی (شهر آرمانی تحقق‌پذیر در دنیا)*. تهران: خورشیدباران.

- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۳. شهر زیبا. اصفهان: شهرداری اصفهان.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۲. تحلیل و طراحی فضای شهری. تهران: جهاد دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۰. تأملاتی در نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری (زمینه‌ها، مبانی، مصادیق). تهران: شهر.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان: نظام مهندسی اصفهان.
- Oldenburg, R. 1999. *The Great Good Place: Cafes, Coffee shops, Bookstores, bars, Hair salons and the other hangouts at the Heart of a Community*. NewYork: Marlowe and Compan.